

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار
قائم مدیر میرزا سید حسن کاظمی
دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاظمی

مهرآز روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران
حایر بلاد داخله ۳۵ قران
روصیه و قفقاز ۱۰ منات
مایز ممالک خارجه ۳۰ قرانک

(قیمت یک نسخه)

در طهران صد دینار
مایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

چهارشنبه ۶ شوال المکرم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۷ ابانماه جلالی ۸۲۹ و ۱۳ نوامبر ۱۹۰۷ میلادی



تشکر نامه اعلی حضرت همدونی

بسی شکر میکنم خدای تعالی را که مقاصد ولیه و
تصورات دقیقه ما در ترقی دولت ایران از بیداری ملت
ظاهر و بین توجیهات امام عصر عجل الله فرجه امتحام
مبانی و اساس مشروطیت بر دست ما جاری گردید و اینک
نمایندگان ملت خود را یاد آوری میکنم که قلب السلطان
بین اصبعی الرحمن همانا این نعمت و سعادت مشروطیت
را بخوانست خدا عنایت و در پیشرفت اصول این اساس
مقدس دقیقه از مساعدت غفلت نفرموده ایم و در این
یگسال که مجلس مقدس شورای ملی تاسیس گردیده
امضای دولت و وکلای ملت با اجرای مکوفات
ضمیر منیر شاهانه بذل جهد و رضای خاطر
الطی مظاهر ما را در جریان اصول مشروطیت جنب
نموده اند لاجرم برای تشویق ملت و تشدید اساس
مشروطیت به مجلس شورای ملی خودمان حاضر شده
بدوا از زحمات نمایندگان ملت در وضع قوانین رضای
خاطر همدونی را اظهار و بجهة مزید افتخار و ترغیب
فرزندان روحانی خسروانی و حسن جریان اصول
مشروطیت و تکمیل مراسم پادشاهی با کمال میل قلبی
قسم یاد میکنیم که در طبق اصل سی ونهم ضمیمه قانون

اساسی بوظیفه شخصی خود مان در این روز مسعود
موفق شویم از خداوند اجابت ایدیه خیر به ملوکانه
را در ترقی و سعادت دولت و ملت مسئلت داریم

(چنین نماید نیات خسروان آثار)

(چنین کنند بزرگان چه کرد باید کار)

امروز ابواب فرح و خورشیدی بروی ایران
باز شد ، امروز کوب مجد و رامت از افق عزت و
دولت طالع گردید ، امروز عالم نورانی گشت و
هنگام عادمانی رسید ، امروز درختهای آبل و آرزو
شکوفه کرده امروز همه کس بر ترقی ایرانستان و آبادی
این سامان یقین حاصل شد ، امروز ارواح سلاطین
گذشته ایران از بطون مقابر برجان سلطان زمان آفرین
خواندند ، انوشیروان عادل را نام و نشان از
خاطر ها فراموش شد . امروز فرق افتخار مات
بفرق فرقان رسید . صلاهی مسرت از آسمان وزین
کوشها پر از غلله سرور و جهور نمود ، امروز وسایلی
مظفر الدین شاه کبیر انار الله برهاته بموقع اجراء
گزارده شد ، امروز از در و دیوار انسان و حیوان
جماد و نبات این خاک پاک صدای دلربای (زنده باد
پادشاه مشروطیت خواه) بلند شد ، امروز یک بار بزرگی
از دلهای وطن خواهان برداشته گردید ، خاطرها آسوده

گشت ، روان شاه مرحوم از غرقات چنان بفرزند جوان خود آفرین گفت دعای خیر و سعادت جاودای نمود امروز حسرو ایران روحی ناز به فرودم میمنت لروم خود در کالبد مجلس مقدس و سلطنت شروطه دید و مصداق (و نفتح لیه من روحی) را آشکار ساخت و محبت و دوستی خود را در قلوب عامه ملت جای داد ، زیبایی نیست مگر بمدح و ثنای این شهزاد پاک ضمیر رطب اللسان است دلی نیست جز بسپاس و تشکر از الطاف شانله شاهنشاه ایران پناه منحرک است هیچ ایرانی در هیچ گوشه جهان وجود ندارد غیر از آنکه دلش از احلاص ابن سلطان مالامال است ، راستی امروز لقب (ظل الله) بر قامت اعلیحضرت همیوی لیسار ، موزون آمد ، و صفات پادشاهی در هیكل قدسش مجتمع گردید ، امرز ایرانی میتواند در کمال جرئت بگوید پدری داریم رؤف که لقب مبارک بجانب فرزندان خویش معطوف و همت و الایش بتربیت اجناء خود مصروف است حالک بر دیده باد که بعد ها جر بنظر تقدیس در این پدر ماج در نکرده و لال غود زبانکه نام نایش را جز بتکریم و تجلیل بر زبان جاری سازد ، هزار آفرین بر اخورشید منیر باد **بیک تابش صفحه ایران را نور فشان ساخت و بیک گاه مرحمت دلهی رمیده را آرامش و آسایش بخشید عجب کز آریکه بیک حرکت بکران تا سکران وطن را مملو از گل و ریحان فرمود و امامی شهر بو نصر در این نور بر منظر و مخبر (باطن) سلطان صادق آمد که گفته :**

— (بزد خوب آفرید منظر سلطان) —

— (خوبتر از منظر است مخبر سلطان) —

نوصیح ابن بشارت مسرت اثر آنکه روز سه شنبه ۵ شهر شول المکرم حاجتی نه همه کواکب سعد از مطالع ناظر بودند بندکان اعلیحضرت پادشاه ایران با قنبری رؤف و خاطر عطفی محض ابراز مرحامت ملوکانه و توجهات خاصه خسروانه بعیب نفس موقع را مناسب دیدند **بیکه اساسی مشروطیت را بقدم مهر لروم استحکام دهند و جمیع ملت را تا ابد شوق بحر نعمت سازند بدخواهان را از خیالات باطله مایوس نمایند و دوستان وطن را شیرین کام و سرور افروز سازند پس ساعت سه بفریب بر گردوه اجلال جلوس فرمودند و با کبکبه و اجلال سلطانی در حالتیکه مقرران حضرت و تردیکان سده سنیه سلطنت و گوهران صدق پادشاهی و اعمام و الاقبال و سایر خدم و حشم از پیشین و یار ملتزم رکاب ظفر انقباس بودند بطرفی**

مجلس مقدس شورای ملی که تاسیس پدر بزرگوار غفران رب جنت مکان حصرش است رمسپار گردید و در هر قدم از میان قلوب و ابدان پراز احلاص عبودیت ملت شاه پرست خود مرور فرموده و متصل ندای (زنده باد شاهنشاه دادگر ما) و (پاینده باد سلطنه مشروطه ما) بر بهجت خاطر خطیرش افروده و توسط جناب امیر بهادر و سایر مقربین باظهار لطف و احوال پرسی از افراد ملت جان نثار جملگی را اسیر قید عطوفت در آورده و همی چشمان عشق و احلاص و عبودیت را بخویشش نمائش میفرمود و روشنی چشم عباد را مقرر فرموده گردونه را سربز نمایند و کروک را از دوری فرو نشاندند — الغرض باین حشم و ابهت و عظمت که سزاوار چنین امپراطوری عظیم نشان بسمارت رفیه بهارستن **بیکه** محل مجلس مقدس و خانه قنور و مشروطیت است نزول اجلال فرمود و آن مکان را بدین شرافت رشک جنان ساخت در حالیکه حضرات حجج اسلام و رئیس محترم و وللاء معظم و وزراء مکرم از دو طرف صف کشیده و قدم همیونی را بنظر رساند بالاخره بطبق خاصه یعنی اطاق عمومی شرف ورود ارزای فروده و آنچه در خور مقام سلطنت عظمی است نسبت بحجج اسلامیه و رئیس و وللاء . . . مکنونات ضمیر الهی منیر و یات حسنه مقدسه را از تاکید در مرفیت امور و ایجاد و اجراء قسانون و تائین بلاد و آسایش و سعی در فراهم نمودن لوازم ترقی و سعادت و استنظهار و پشت گرمی به سعادت شخص شخصی همیونی بختل به **بیکه** آیت فوق ظاهر سردانیدند چون این خطبه بیابان رسید تاکید مراتب و شیت مقاصد را بلفظ در بار بر طبق مرقومه ذیل موند و قسم یاد فرمودند

(قسم نامه اعلیحضرت ملوکانه)

من خداوند متعال را گواہ گرفته کلام الله مجید و باچه نزد خدا محترم است اسم یاد میکنم تا به خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جمهری اتنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عز شاه را حاضر و ناظر دانسته منظوروی جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند متعال در خدمت ترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم

آنکه حضرت حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله در مقام جواب و سیاس گذاری ازین انظار فراوان و اظهار کمال عقیدت و خالص بتمام منبع سلطنت از جانب خود و حجج اسلام و وکلاء فحاح بلکه قطبه ایرانیان لایحه ذیل را فرست نمودند و عموم حضار صدرا را بزرگوار باد شاهنشاه پابنده باد سلطنت ایران بلند کردند

﴿شکر نامه مجلس﴾

شکر خدا برا عز و جل که امروز اعلیحضرت اقدس شاهنشاه اسلامیان پناهی خلد الله ملکه و سلطانیه در تقدیل مراتب رعیت پروری و مراسم عدالت گستری صاحت مجلس مقدس شورای ملی را بتشریف خسروانه آراسته یعنی روح اجرا بکامال قانون پیوسته است بحمد الله و المنة امروز ذات خجسته صفات ملوکانه براریده سلطنت حقیقی ایران عز جلوس می بخشد تخت کهن سال کیان امروز بخت جوان و عمر جاودان میاند که بر روی دلهای سی کرور ایرانی استوار است منعت کر ازلی آرا بارکان از همه ملی غیرت همت قوت و قدرت پایدار و بجواهر گرانبهای عدل و علم و آزادی مکمل و مجلل ساخته است اکنون چشم روزگار از دریچه تاریخ نگران و منتظر است که مفاد شرفی امکان بالملکین را باز دیگر بمقام تحقق و تصدیق گذارد پس برحمت قدر رتبت شاهنشاهی موکول است که یادگار این روز فیروز را سر لوحه سعادت ایران ساخته و شوکت این مکانرا از زمین باسما را رتقاء دهند هیچیک از املاطین ایرانرا چنین موقع موفقیت نصیب نکرده و مساعی فوق العاده و فتوحات عظیمه پادشاهان دور استبداد باستحصال چنین مقاصد عالی هرگز کفایت ندادند است ولی تأییدات غیبیه الهیه و مساعدت اقبال ملت مقتضیات مشروطیت از پایه سر بر اعلی باوج قصی مدارج نیکنامی و شوکت شاهراهی مستقیم آراست و از خس و خاری برارسته است آن شاهراه مقامت تاسیر اجراییت است یا قوانین مقدسه که حاصل نشود دیگرانکه اصل اصیل قوم مجریه نفس نفیس ماوکه توجه خاص و مراقبت بالاختصاص ببذول فرمایند که تا قوانین اساسی مملکت بدرجه قصوای اجرا برسد و در تسکین انقلابات حال و کفایت احتیاجات استقبال و ضروریات استقلال وطن و حراست حوزه مقدسه اسلام حفظ اساس مشروطیت را فریضه ذات لقا همت خسروانه فرموده ملت و دولت را از حنیض ضلالت و ذلت باوج قدرت و سعادت برساند

اکنون متحیریم حصول این سعادت بزرگ را که کنج رایگان است شادی و وجود کیم و بشاعت و شوق باطنی را

ظاهر سازیم یا ابن وهبت و عطیه فوق العاده پدرمهریان را در حق ملت نجیب مطیع خود از صمیم قلب بازمان بسته و قلم شکسته تشکر نماییم یا ادعیه خالصانه ملت را بسده سینه جهانیان امیر طوری ایران و مفسخر سلاطین گذشته این سامان تحفه نقابلی تقدیم کنیم یا ملت را در اینموقع مسعود که بمنزله یک عید سعید ملی است تبریک و تمنیت گزینیم یا این روز بیروز را که روز ریختن شالوده اتحاد حقیقی ملت و دولت است و در تاریخ آینه ماسحاب آثار سنرک خواهد بود توصیف نماییم یا دور و نزدیک را بشانت گذشتن سختی و رسیدن یک خوشبختی است بشارت دهیم یا دشمنان و بد خواهان را میخ در چشم گویند آیت یاس از قاصد خبیثه شانرا یک یک بر شماریم — همان بهتر که ازین اینجمنه بدعی ذات بیسمال پدر مقدس خود مشغول شده عرض کنیم (شاهای قنای عمر تو باد هزار سال)

(مکتوب)

خدمت جناب مدیر حبل المتین
چندی قبل مازندران را یکی از بزرگان دچار مخاطره عظیمی کرده بود جوانی تازه کار عادل و هوشیار جان خود را در خطر انداخته بخوبی رفع نمود اما این خدمت در پرده نهفته ماند

باز در این اوقات مجدداً بمنازعه خانگی گرفتار شد این جوانمرد بجان و دل کوشید تا آسایش عمومی را عودت داد دیدم اگر باز گفته نشود شاید خدای نخواسته باس یا کسالتی برایش حاصل شود و از کار باز ماند پس بر خود واجب شمردم که اشاره نموده اگر صلاح بدانند در جریده مبارکه درج فرمایند

شوخی گذشته مختصراً این بود که برای تاسیس انجمن ابالتی در بار فروش جناب علامه مجتهد باجمعی مشروطه دوستان جداً ایستادگی داشتند بعضی هم به معاندت برخواستند هر چه مجاهده کردند پیش رفت آخر الامر خواستند بدست خارج دفاع کنند بقول لاکری استرآباد نوشتند — کشتی جنگی بیندر مشهد سرورود کرد نظام السلطان حاکم مازندران از ساری و اشرف بیار فروش رفت در مدت قلیل ما نهایت خوشی فولسل روسرا با کشتی جنگی عودت داد و خودش در آنجا مقیم شد تا انجمن بسیار منظمی مطابق نظامنامه منقذ گردید گویا تمام مردم شاکر و دل خوش باشند از قرار اخبار واصله جناب که ابتدا در صدد ضدیت انجمن بود مجدداً بخیال تخریب افتاده عرض میکنم ای آقای دست بردار و آسوده باش و از خدا بترس اگر دست بر ننداری این دلمه

اسم میبزم تا رسوا و مقهور خاص و عام شوی آخر
تو هم از جنس ماو ایرانی هستی

(خبر عوا و وطن ابراهیم نوری)

(مکتوب از ایروان)

وطن در خطر است

ایا ایرانیان غیور وطن دوست و ای مسلمانان خدا
پرست وطن در خطر است سر از خواب غفلت بردارید
به یمن و یسار خود نکاهی بنمائید به بینید مملکت
تانرا چه طور تقسیم مینمایند وزیر خارجه انگلیس در
پترزبورغ تکلیف کسبیل داغتن اردوی قفقازیه
روس را بصوب خاک پاک و وطن مقدس ما ایران مین
نموده و از بندر (فرستاد) برای کسبیل داشتن کشتیهای
انگلیس بطرف همین وطن مقدس راه تریک میجوید
آیا در چنین روز پرخطری تکلیف دولت و مجلس شورای
ملی و هر یک از افراد رعیت چیست ؟ آیا دست بهم
گذاشته مادر وطن را مردمان بیگانه سپردن است ؟ آیا
غیرت ایرانیت و اسلامیت را درود گفته سر اطاعت
بگمند جور و ظلم اغبار در آوردن است ؟ آیا مساجد
را کلیسا و معابد را کشتت خواهیم کرد ؟ آیا بی غیرتی
و بی حمیتی را شعار خود سازیم ؟ لاوالله (انار اولی من
رکوب العار)

در چنین روز خطرناک هر سه نمایانان وطن هر
یک یک تکلیفی دارند تا جان در تن و خون در بدن
داوند باید از تکلیف خودشن دست نگشند آنچه که
تکلیف دولت و دولتیان است باید با خلوص نیت و با ای
فطرت با ملت و مجلس شورای ملی دست بهم داده
در حفظ اینوطن محبوب مقدس با جان و مال کوشند
و نام نیک خودشانرا در صفحه روزگار بیادگار بگذرانند
و آن که تکلیف مجلس مقدس و مجلسیان است باید با
تدابیر صائبه جلوائین نیل عرم را بسته و ملت را وادار
نمایند که در حفظ این خاک پاک جان و مال خودشانرا
دریغ ندانند بر سیل اعانه هر که هر چه در قوه اش
هست و لو که نیم شاهی قدر و یا یک خرمای پوسیده
باشد بخزینة ملت که در نجات ربامت خزینه دارن امین دایر
خواهد صد بدهند و آن که تکلیف ملت و افراد
رعیت است در دادن اعانه قدر خورش و تشکیل
از دوی داو طلب ملتی نکاهل و تانی نورزند که
امروز خزینه مان بالمره خالی است و همه چیز با
پول درست میشود اگر خدا نکرده فردا دشمن دست
یافته و ملت را مجبور و مقید نماید والله العظیم پول و
مال دنیا سهل است عرض و ناموس مانرا تصرف مینمایند
و هیکل اسلامیت را محو و نابود مینمایند ای برادران

دینی و وطنی غمه نخوریم و خیال نکنیم که يك سال
و نیم است از امر معاش عقب هستیم والله و بالله اگر
امروز ما غیرت تموده قد مرادانگی را علم نمائیم
فردا است که اعدای وطن مارا مخذول و منکوب خودشان
مینمایند و مادام العم در زیر شکنجه اجانب مانده حتی
عرض خودمان را صاحب نخواهیم بود پس امروز همت
لازم است غیرت لازم است که هم و سبیل است حفظ
وطن مانرا بنمائیم که حقیقتا حفظ دین و مذهب و
اسلام و عرض و ناموس بسته به حفظ وطن است
(شفیع رفیع زاده)

(اخبار خارجه)

مسیو کوکود سف وزیر مالیه روس به از مسافرت
اروپا وارد سن پترزبورغ شدند روز نامه کاسبی مینویسد
که وزیر مالیه زبان و رفتار و اخلاشان را بکلی تغییر
داده اند سابقا همیشه بحد مجلس ما حرف میزدند
و خیالاتشان باخیالات و آراء مجلسیان بسیار منافات
داشت لیکن اکنون خیلی اسباب تعجب و حیرت ما
گردید که بعد از این مسافرت کامل همراهی را با مجلس
دوما دارند و اظهار شوق و شغف مینمایند مصمم شدیم
که دلیل این مسئله را بفهمیم بعد از آنکه غوررسی و
اطلاعات لازمه را بعمل آور دیم معلوم شد کلیه این
رمز درپاریس است

هنگام اقامت ایشان در فرانسه بدین وزیر ذیل
رفته اند ، مسیو کانو وزیر مالیه فرانسه و مسیو پیشو
وزیر امور خارجه و مسیو کمانسو رئیس الوزراء
بعد از ملاقات وزراء سذگور همچو منتشر میشود
در شهر ، وزیر مالیه روس مسیو کوکود هم آمده
است پول معتد به از فرانسه قرض کند تمام نکارندان
فرانسه بدرج و نشر این مسئله پر داخه تا اینکه عاقبت
مسیو ژورس یکی از و کلا از پارلمان مشرال میکنند
که این خبر چیست که منتشر و باعث بریشانی خیالات
بعضی شده آیا حقیقت دارد یا خیر مسیو پیشو جواب
میدهد که هرگز کمان نکند راست است که وزیر مالیه
روس بخیال این آمده است نه يك همچو پولی قرض
کند ولیکن همه کس بدانند تاوقتیکه پایه مشروطیت روس
بقراریکه شاید و باید مستحکم نشود ما هرگز پول
قرض نخواهیم داد

البته بر هوشیاران معلوم و واضح است که
دلیل تغییر حالتیکه وزیر مالیه روس پیدا نموده اند
چیست ؟

(حسن الحسینی الکاشانی)